

شوڪ

پاسخ سوال داماد با مشت!



صدیقی- خانواده همسر بسیار پنهان کار بودند و به نوعی داماد را از خودشان نمی دانستند. از این ها بدتر اصلا دختران شان را به حساب نمی آوردند و هر چه داشتند فقط از آن پسران شان بود اما برعکس موقعی که کار یا گرفتاری داشتند ابتدا باید دخترها پیشقدم می شدند. این ها بخشی از صحبت های مردی جوان است که از دست خانواده همسر خود به دادگاه خانواده پناه

آورده تا راهی برای خلاصی از این وضعیت بیابد. او با لحنی پر از افسوس می گوید: از نگاه خانواده همسر نباید به داماد میدان داده شود یا او درباره خانواده همسرش اظهارنظری داشته باشد و اگر قانون شکنی می کردم جینال به پا می شد. در ابتدای ازدواج با همسر مشکل خاصی نداشتم اما بابت رفتارهای غیراصولی آن ها خیلی سختی کشیدم. بعد از فوت پدر همسر مادر همسر حتی اجازه نداد کسی درباره ارث و میراث حرفی بزند چون به عقیده او مال و اموال پدر همسر فقط از آن پسرها بود و دخترها نباید حتی برای خودشان قائل می شدند. مدتی با خانواده همسر برای ندادن حق و سهم ارثیه زن سر جنگ داشتم اما چون مادر همسر قبل از فوت شوهرش همه چیز را به نام پسرانش کرده بود دست مان به جایی بند نشد. در کمال تعجب خانواده همسر با این که برای دخترها هیچ ارزش و حتی قائل نبودند اما زمان بروز مشکل و مریزی برای مادر همسر دخترها باید پیشقدم می شدند و آن را رفع و رجوع می کردند چون پسرها وظیفه ای در این مورد نداشتند. این ماجراها ادامه داشت تا این که روزی همسر به درخواست برادرش بدون اجازه من، راهی خانه مادرش شد و دیگر برنگشت. خیلی تعجب کردم و برایم سوال بود که چه خطایی از من سر زده چون همسر در جواب تلفن ام می گفت تا چند هفته نمی تواند به خانه خودمان برگردد. مدتی با خودم کلنجار رفتم و فکر و خیال مثل خوره به جانم افتاده بود که چه موضوعی پیش آمده که خانواده همسر از من پنهان می کنند و حتی اجازه نمی دهند همسر به خانه اش برگردد. طاقت نیاوردم و بعد از چند روز با عصبانیت به خانه مادر همسر رفتم تا زنم را برگردانم. وقتی جلوی در برادر همسر رو به رو شدم از او سوال کردم چرا به همسر اجازه نمی دهند به خانه برگردد؟

ناگهان در کمال حیرت یک مشت حواله من و درگیری بین مان آغاز شد. بعد از چند دقیقه کتک کاری با کمک همسایه ها نزاع بین ما خاتمه یافت و در کمال تعجب همسر از برادرش حمایت کرد. بعد از گذشت لحظاتی از طریق همسایه ها باخبر شدم که مادر همسر در یک حادثه از ناحیه لگن دچار شکستگی و در خانه بستری شده و همسر برای برستاری از او خانه را ترک کرده است. وقتی دلیل پنهان کاری را از همسر پرسیدم به من گفت که آن ها نمی خواستند چیزی بفهمم تا در خیال واهی شان مایه آبروریزی نشود. با شنیدن این جملات بدجور اعصابم به هم ریخت و بابت برنگشتن همسر به خانه از آن ها کینه به دل گرفتم. وقتی دیدم زندگی ام با دخالت خانواده همسر دچار مشکل شده است به دادگاه خانواده آمدم تا با کمک مشاوران راه حلی برای این موضوع پیدا کنم و اگر هم نشد تصمیم به جدایی بگیرم.

قرص هایی که دختر دانشجورا بیچاره کرد

کمپ به جای دانشگاه

صدیقی

کنجکاو و مزه مزه کردن، کار دستش داد و در تله هم‌دانشگاهی اش افتاد. می خواست با مصرف قرص از ناملایمات زندگی دور شود اما برعکس در دل مشکلات افتاد. هنوز چند صبحای بیش نیست که پا در دانشگاه گذاشته اما با ندانم کاری و اعتیاد خودش را در معرض اخراج قرار داده است. ۱۷ سال دارد و در کمپ به امید روزهای پاک، ریه هایش را شست و شو می دهد تا هر چه زودتر از شر سیاهی خلاص شود.

دلش می خواست از هر چیزی سر در بیاورد و حتی آن را تجربه کند. در دوران دبیرستان در مسیر مدرسه با یک پسر آشنا و مدتی با او ارتباط برقرار می کند که از او هم‌رو دست می خورد و مرد رویاهایش بعد از خالی کردن جیب اش او را رها می کند. به گفته دخترک، خانواده اش اصلا اهل دودو و نوشیدنی های غیرمجاز نبودند اما او هر چیز منع شده ای را امتحان و آن را مصرف می کرد.

دختر در تله افتاده می گوید: خانواده پدرم خیلی در قید و بند اصول اخلاقی نبودند اما برعکس خانواده مادرم خیلی مذهبی بودند و روی اصول پافشاری می کردند. پدر و مادرم با وجود این که از یکدیگر طلاق نگرفته بودند اما جدا زندگی می کردند.

در واقع پدرم با زن دومش زندگی می کرد و کاری به کار ما نداشت. در دوران دبیرستان روزی سر بیرون رفتن های وقت و بی وقتم بین من و مادرم شکراب شد و وقتی اعصابم به هم ریخت سراغ سیگار رفتم چون از دوستانم شنیده بودم که سیگار اعصاب را آرام می کند اما هیچ وقت اعصاب آرام نشد.

دختر کنجکاو برای دور زدن خانواده اش مدام از ادکلن و خوشبو کننده دهان استفاده می کند تا کسی به این موضوع پی نبرد. مدتی این کار را دنبال می کند تا این که به گفته خودش از بوی سیگار نفرت پیدا می کند و آن را کنار می گذارد و سراغ نوشیدنی های غیرمجاز می رود. او می گوید: در نزد خانواده پدرم مصرف مواد و نوشیدنی های غیرمجاز عادی بود و کسی خرده نمی گرفت.

زمانی که به خانه عمومی می رفتم چون می خواستم سیگار را راحت ترک کنم نوشیدنی غیرمجاز مصرف می کردم. عمومی به جای مانع شدن مرا تشویق می کرد تا او را در این مسیر همراهی کنم و به خاطر کم سن و سال بودنم اصلا متوجه مضرات و خطرات آن نبودم. داستان تجربه کردن های دختر ۱۵ ساله همچنان ادامه پیدا می کند تا این که بعد از ۲ سال وارد دانشگاه می شود. بعد از آغاز کلاس ها با چند نفر از هم دانشگاهی هایش دوست می شود. آن ها در خانه مجری زندگی می کردند و همین موضوع

پای این دختر را به دورهمی های ناسالم باز می کند. هم دانشگاهی دودی دختر کنجکاو به دور از چشم بقیه مواد صنعتی مصرف می کند اما پیش همه می گوید که فقط قرص متادون مصرف می کند. دختر فریب خورده درباره هم دانشگاهی اش می گوید: بعد از این که کلاس های دانشگاه تمام می شد با چند دوست دیگرم با دعوت دوست معتادمان بعضی از شب ها به خانه مجردی او می رفتم و تا پاسی از شب دور هم خوش بودیم. این ماجرا ادامه داشت تا این که شبی دوستم وقتی دید کمی حالم ناخوش است از من خواست قرص متادون مصرف کنم. چون از کودکی دختر کنجکاو ی بودم و به هر چیزی که می دیدم ناخنک می زدم بدون فکر، پیشنهادش را قبول کردم.

بعد از مصرف متادون حال عجیبی پیدا کردم، خیلی سرخوش بودم، به نوعی روی ابرها راه می رفتم و تمام غم هایم را برای مدتی فراموش کردم، شب هم در خواب عمیقی فرو رفتم.

سرخوشی کاذب دخترک ناشی از مصرف متادون او را مجاب می کند که همین روند را ادامه دهد تا به خیال خودش ناملایمات زندگی بر او تاثیری نگذارد. دختر از همه جا بی خبر که نمی داند مصرف قرص های مخدر اعتیاد آور و مضر است چند بار بهمان دوست حيله گرش می شود تا این که بعد از مدتی در تله می افتد.

او تعریف می کند: مدتی دوستم مقداری قرص مخدر در اختیارم می گذاشت تا

با مصرف آن ها مدتی سرخوش

شوم. با این دست فرمان

جلو رفتم تا این‌که

وقتی یک شب قرص

ها را مصرف نکردم

بدجور اعصابم به

هم ریخت و حالم بد

شد و تازه آن موقع

بود که متوجه شدم

در تله اعتیاد گرفتار

شده‌ام.

روز بعد وقتی به هم

دانشگاهی ام گلابه

کردم که چرا من را در

جریان عواقب مصرف

قرص ها قرار نداده است؟

او با تندی مرا از خانه اش

بیرون کرد. دختر فریب

خورده می فهمد که دوستش با نقشه قبلی او را وارد این بازی خطرناک کرده است و حتی دیگر حاضر نیست قرص در اختیارش قرار دهد و از وی می خواهد که دیگر در خانه او ننگذارد. دختر که نه راه پس دارد و نه راه پیش مجبور می شود با صرف هزینه زیاد قرص های روان گردان را از طریق ساقی دیگری جور کند تا اعصابش بیش از آن خراب نشود و با رفتارها و حرکت های نابجا در داخل دانشگاه سوتی دست کسی ندهد.

دختر ۱۷ ساله با چشمانی بارانی می گوید: دوست حيله گرم زمانی که مطمئن شد بدنم به این قرص ها عادت کرده است کلا اخلاقم عوض شد و حاضر نبود مرا ببیند. حتی بعدها از طریق یکی از دوستانم باخبر شدم که او با قصد قبلی و به خاطر حسادت برای نابود کردن و اخراج از دانشگاه نقشه کشیده بود که من هم با ندانم کاری و البته کنجکاو ی بی حد و مرزم او را به خواسته اش رساندم.

در خانواده ام کسی از اعتیادم خبر نداشت تا این که روزی مادرم داخل کیف ام را مرتب می کرد که ناگهان با قرص های متادون مواجه و از شدت تعجب فقط مدتی به من خیره شد. دیگر نتوانستم پنهان کاری کنم و مجبور شدم به همه چیز اعتراف کنم.

از مادرم خواستم در خانه و در حضور او اعتیاد را ترک کنم اما دیگر به من اعتماد نکرد و مرا به کمپ آورد تا هر چه توانستم پنهان کاری کنم و مجبور شدم به همه چیز اعتراف کنم.

از مادرم خواستم در خانه و در حضور او اعتیاد را ترک کنم اما دیگر به من اعتماد نکرد و مرا به کمپ آورد تا هر چه توانستم پنهان کاری کنم و مجبور شدم به همه چیز اعتراف کنم.

از مادرم خواستم در خانه و در حضور او اعتیاد را ترک کنم اما دیگر به من اعتماد نکرد و مرا به کمپ آورد تا هر چه توانستم پنهان کاری کنم و مجبور شدم به همه چیز اعتراف کنم.

از مادرم خواستم در خانه و در حضور او اعتیاد را ترک کنم اما دیگر به من اعتماد نکرد و مرا به کمپ آورد تا هر چه توانستم پنهان کاری کنم و مجبور شدم به همه چیز اعتراف کنم.

حادثة در شهر

حادثه آفرینی خودروبی که یک کودک راننده آن شد

صدیقی- سهل انگاری مردی با جا گذاشتن فرزند بازیگوشش در داخل خودرو حادثه آفرید. پدر سهل انگار که برای انجام کاری کودک خردسالش را برای لحظاتی در داخل خودرو تنها گذاشت خبر نداشت که طفل خردسالش با روشن کردن خودرو کار دست خودش می دهد. بنا بر اظهارات مرد وحشت کرده ماجرا از این قرار است که روزی او و پسر چند ساله اش در خودرو بودند که در مقابل یک نمایشگاه اتومبیل توقف می کند تا به گفته خودش طلب اش را از صاحب نمایشگاه وصول کند.

راننده بعد از پیاده شدن و ترک خودرو سوئیچ را با خود نمی برد و پسر کنجکاو با چرخاندن سوئیچ خودرو را روشن می کند و بعد از آن اتفاق عجیبی می افتد.

بعد از روشن شدن، خودرو به حرکت درمی آید، محکم با شیشه سکوریت نمایشگاه اتومبیل برخورد می کند، با شکستن آن وارد مغازه می شود و خسارت زیادی را به بار می آورد. مرد سهل انگار می گوید: وقتی داخل مغازه مشغول گرفتن طلب ام بودم ناگهان دیدم که یک خودرو بعد از خرد کردن شیشه سکوریت وارد مغازه شد، با یک خودروی دیگر برخورد کرد و متوقف شد. من که از شدت ترس میخکوب شده بودم وقتی به صحنه نگاه کردم دیدم مسبب این اتفاق پسر چند ساله ام است که با روشن کردن خودرو این خسارت را به بار آورد.

بعد از این حادثه نه تنها نتوانستم طلب ام را وصول کنم بلکه برعکس کلی خسارت هم از جیب ام به صاحب نمایشگاه پرداخت کردم تا رضایت او را جلب کنم. البته این ماجرا درس عبرتی برایم شد تا هیچ وقت سوئیچ را در حضور کودک بازیگوشم در خودرو جا نگذارم.

خبر

تصادف کامیون و پژو با یک مصدوم

در پی تصادف یک کامیون با پژو پارس در محور فرعی حصار گرمخان به آق تپه یک نفر مصدوم شد. به گزارش خبرنگار ما، در پی تصادف خودروی کامیون با پژو پارس نیروهای امدادی به صحنه حادثه اعزام شدند و راننده مصدوم پژو پارس را به بیمارستان منتقل کردند. بر اساس اعلام نظر کارشناس پلیس راه بجنورد خودروی پژو پارس به علت انحراف به چپ مقصر این حادثه بوده است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت

ثبتي و اراضي و ساختمانهای فاقد سند رسمي

برابر رأی شماره ۱۳۱۶-۹۸ مورخ ۹۸/۷/۱۲ هیات به شماره کلاسه ۱۲۸-۹۷موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمانهای فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن بذرکار فرزند عباس به شماره شناسنامه ۲۶۴۰۰ صادره از بجنورد در یک باب خانه به مساحت ۱۰۱/۳۲ مترمربع از پلاک ۹۷ فرعی از ۱۲۹ اصلی واقع در اراضي ملکش بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمي آقای علی محمدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۷/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۸/۸/۱

احمد اصغری شیروان- رئیس ثبت اسناد و املاک

۸۸۱/م الف

۹۸۰۹۱۳۷۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت

ثبتي و اراضي و ساختمانهای فاقد سند رسمي

برابر رأی شماره ۹۲۹-۹۸ مورخ ۹۸/۵/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمانهای فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد عزیزی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۶۳۵ صادره از بجنورد در یک باب منزل به مساحت ۱۴۴ مترمربع از پلاک ۹۰۷ فرعی از ۱۶۳ اصلی اراضي پنبه زار واقع در بخش دو بجنورد خریداری مع الواسطه از مالک رسمي شهرداری بجنورد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۷/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۸/۸/۰۱

احمد اصغری شیروان- رئیس ثبت اسناد و املاک

۸۸۲/م الف

۹۸۰۹۱۳۷۷

آگهی تغییرات شرکت اترک سازان آباد راهان طاق دژ شرکت سهامی خاص

به شماره ثبت ۵۴۲۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۸۸۶۵۵۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۳ تصمیات ذیل اتخاذ شد : -
سنت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:
آقای احمد ساجدی بازخانه به کدملی ۰۶۸۱۵۲۷۶۹۶ **بسمت رئیس هیئت مدیره و آقای مینم علی آبادی به کدملی ۰۶۸۱۹۹۹۲۲۵** **بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای مینم علی آبادی به کدملی ۰۶۸۱۹۹۹۲۲۵** **بسمت مدیرعامل شرکت و آقای مسعود سعیدی به کدملی ۰۶۰۳۳۴۰۳۳۴** **بسمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند. -**
کلیه فرار دادها و اسناد رسمی و تعهدآور بانکی از قبیل چک، سفته، برات، و اوراق بیهادر با اعضاء آقای مینم علی آبادی (نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل) و آقای احمد ساجدی بازخانه (رئیس هیئت مدیره) همراه با مهر شرکت معتبر است. (اوراق عادی و نامه های اداری با اضاء آقای مینم علی آبادی (نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل) با آقای احمد ساجدی بازخانه (رئیس هیئت مدیره) همراه با مهر شرکت معتبر است.

م الف

۶۱۹۲۱۰

۹/۹۸۰۹۰۷۰۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری بجنورد

آگهی تغییرات شرکت بدیده رایان بجنورد شرکت سهامی خاص

به شماره ثبت ۲۰۶۴ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۳۲۳۰۱۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۴ تصمیات ذیل اتخاذ شد : -
ماده ۳۳ اساسنامه به شرح زیر تغییر یافت : هریک از مدیران باید در مدت مدیریت خود مالک حداقل ۱ سهم از سهام شرکت بوده و ورقه سهم مزبور را به عنوان وثیقه و تضمین خساراتی که ممکن است از تصمیات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود و به صندوق شرکت بسپارد وثیقه بودن ورقه سهم مانع استفاده مدیر از حقوق ناشیه از ان از قبیل حق رأی و دریافت سود نمی باشد ولی مادامی که مدیر مفاسدا حساب دوره تصدی خود را شرکت دریافت نکرده سهم مذکور به عنوان وثیقه در صندوق شرکت باقی خواهد ماند.

م الف

۶۱۹۲۱۸

۹/۹۸۰۹۰۶۹۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری بجنورد

آگهی تغییرات شرکت اترک سازان آباد راهان طاق دژ شرکت سهامی خاص

به شماره ثبت ۵۴۲۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۸۸۶۵۵۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۳ تصمیات ذیل اتخاذ شد : -
اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای مینم علی آبادی به کدملی ۰۶۸۱۹۹۹۲۲۵ و آقای مسعود سعیدی به کدملی ۰۶۰۳۳۴۰۳۳۴ **آقای احمد ساجدی بازخانه به کدملی ۰۶۸۱۵۲۷۶۹۶** **بسمت اعضای اصلی هیئت مدیره برای مدت دوسال انتخاب گردیدند. -**
خانم سپیده هرگی به کد ملی ۰۶۸۲۴۶۸۹۲۴ **بسمت بازرس اصلی و آقای محمود پناهی به کدملی ۰۶۷۰۳۴۰۷۹۰** **بسمت بازرس علی البدل شرکت تا پایان سال ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ انتخاب شدند .**

م الف

۶۱۹۲۱۳

۹/۹۸۰۹۰۷۰۳

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری بجنورد

خود را به جای مشتری بگذارید و موقعیت و وضعیت اورا درک کنید